

مقاله علمی

مطالبات زنان در نکاح‌نامه‌های دوره قاجار

زهره عطایی آشتیانی^۱، زینب (سارا) اسکندری^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳)

چکیده

نتایج پژوهش‌ها درباره شناخت مطالبات افراد جامعه از گذشته تا حال، بیانگر تصویر واضحی از اوضاع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی گروه‌های مختلف اجتماعی است. مطالبات عموم زنان و نحوه دستیابی به آن در مقاطع مختلف تاریخی از موضوعات بحث‌برانگیز در حوزه مطالعات اجتماعی-تاریخی است. پژوهش حاضر با چنین رویکردی، از طریق بررسی اسنادی شروط ضمن عقد در نکاح‌نامه‌های دوره صد و سی ساله قاجار، به تحلیل فراوانی نیازهای عموم زنان در آن دوره پرداخته است. به طوری که برخی مطالبات زنان مانند حق مسکن، حق طلاق، مهریه، اجازه سفر و شروط اقتصادی استخراج و تحلیل گردید. یافته‌های این پژوهش تصویر غیرواقعی زنان در روایت‌های تاریخی دوره قاجار را بر اساس اسناد مکتوب به چالش می‌کشد.

کلیدواژه‌ها: نکاح‌نامه، شروط ضمن عقد، مطالبات، قاجار، سندپژوهی

۱ استادیار مرکز اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
zohreashtiani2013@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه پنسیلوانیا، آمریکا، sarahese@sas.upenn.edu

مقدمه

وضعیت زنان در تمامی تاریخ ایران نوسانات خطی و یکنواخت نداشته، بلکه اوج و فرودهای متناوب، موجب شده است تا زنان در این سرزمین در هر دوره‌ای بر اساس مقتضیات زمان، مکان، و کنش‌های پیوسته و متناسب، راهکارهایی در جهت خواست‌های خود به عنوان کنشگر، طراحی و تولید کنند.

تاریخ قاجار اگرچه متأخرترین نگارش در دوره معاصر ایران است، در موضوع جایگاه زنان دارای گسست‌های مفهومی عمده‌ای است و به نظر می‌رسد دو دلیل عمده موجب برداشت‌های متفاوت و گاه غیرواقعی از منزلت زنان قاجار شده است: اول، عدم توجه به متن و الزامات اجتماعی-تاریخی آن دوره، دوم مطلق کردن چالش سنت و تجدد که نقطه آغاز آن در دوره قاجار بوده و تأکید بر رویکرد نقش زنان در پذیرش تغییرات فرهنگی به واسطه دوقطبی بودن جامعه (مرد ظالم-زن مظلوم).

سندپژوهی در این دوره تاریخی، بیانگر مطالبه‌گری این قشر برای دستیابی به فرصت حضور مثبت فردی و اجتماعی (از طرق مختلف که پذیرش اجتماعی نیز داشته باشد) است. به عبارت دیگر زن ایرانی از سازوکارهایی بهره می‌برد که تعارض میان ارزش‌ها و رفع نیازهای فردی و اجتماعی را در بسیاری از مقاطع با تیزی حل می‌کند. دوره قاجار با وجود تصور غبارآلود در مورد زنان، با توجه به نتایج پژوهش در زمینه حقوق مندرج در نکاح‌نامه‌ها به صورت شروط ضمن عقد، بیانگر موفقیت زنان در خصوص کسب خواست‌هایشان است.

متون و اسناد تاریخی در عین خاموشی، حاوی نمودهایی از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است، مانند نظریه کنش متقابل و چگونگی سازمان‌یافتگی فرایندهای اجتماعی که برخاسته از اراده جمعی اصناف، گروه‌ها، اقشار، اقوام، نژادها و... در دوره‌های تاریخی است (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۴۱).

به عبارت دیگر مفهوم تاریخی برای انسان از یک سو، نوعی تاریخ‌مندی یا ذاتیت تاریخی است که دریچه تازه‌ای از فهم و درک وقایع و پدیده‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر نوعی فهم تاریخی است که افراد را قادر می‌سازد تا در خصوص تاریخ‌مندی یا ذات تاریخی وقایع و پدیده‌ها، کاربست‌ها و نهادهای عینی به تفکر و تأمل، و تحلیل و تبیین بنشینند (نوذری، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

از آنجایی که شناخت موضوعات اجتماعی از جمله فرایند مطالبات زنان در تاریخ، مستلزم مطالعه مجموعه‌ای از کنش‌های پیوسته است که مردم و اقشار مختلف به عنوان کنشگر، بر حقوق اجتماعی و فردی خود تأکید و آن را درخواست می‌کنند و به مرور در شکل، هدف و روش آن تغییراتی به وجود آمده است، برای دستیابی به نتایج مستدل و افزایش ضریب قطعیت یافته‌ها، لزوم به‌کارگیری اوراق صریحه شامل متون و منابع، آثار و اسناد مکتوب آرشیوی اهمیت ویژه‌ای دارد و شامل مستندات اسناد حقوقی و قضایی است، مانند وصیت‌نامه‌ها، گواهی‌نامه‌های فوت و تولد، وکالت‌نامه‌ها، قباجات نکاح و طلاق، ضمانت‌نامه‌ها، استشهادنامه‌ها، عرض‌حال‌ها، بارنامه‌ها، تذکره‌ها، قبوض رسید، آزادنامه غلامان، قسم‌نامه‌ها و...

در تحقیق حاضر، برای دستیابی به مطالبات عموم زنان در دوره قاجار با استفاده از شروط ضمن عقد در نکاح‌نامه‌ها، ابعاد مهجور زیسته عموم زنان در این دوره بررسی شده است. ضرورت طرح این گمانه تصویری نه چندان روشن از کنش‌های سامان‌یافته زن ایرانی پیش از تغییرات وسیع دوره صنعتی و مدرن ایران است که برخی تناقضات و تفاوت عملکرد کنشگران آن به اجمال بیان می‌شود:

بسیاری از روایت‌ها بر اساس برخی منابع روایی یا آثار مکتوب، محرومیت از احراز حقوق پیش‌پاافتاده و تحت اختیار خانواده بودن و بیشتر زمان خود را در خانه و حرمسرا به سر بردن را در قضاوت درباره زنان قاجار مطرح می‌کنند و در مقایسه با سهم تأثیر تحرکات اجتماعی توده زنان با درون‌مایه‌های استقلال‌طلبی و آزادیخواهی عمومیت بیشتری دارد، فعالیت‌هایی مانند بلوای نان، انقلاب مشروطه، قتل گریبایدوف و... (نک. آدمیت، ۱۳۸۵، بروگش ۱۳۷۳، اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰، مارتین، ۱۳۹۰، اوکازاکی، ۱۳۶۵، سعیدی سیرجانی، ۱۳۷۶، ناهیدی آذر، ۱۳۶۰، جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷، نفیسی ۱۳۶۴، ناطق، ۱۳۵۵، نصر، ۱۳۶۳، آبادیان، ۱۳۷۶، براون، ۱۳۸۰، کسروی، ۱۳۷۸، اعظام قدسی، ج ۱، ۱۳۷۹).

اگرچه این تحرکات به دلیل عدم حمایت‌های سیاسی هرگز سازماندهی نشد و امکان بروز آنها به شکل تشکل‌هایی قدرتمند به وجود نیامد، ولی در تغییر گرایش‌های طبقات اجتماعی، تغییر در سبک زندگی عموم و ایجاد توازن میان «اعتقادات»، «ارزش‌ها» و «کارکردهای» اجتماعی مؤثر بوده است.

از زاویه دیگر دلایلی مبتنی بر تأثیر تغییرات اجتماعی با ورود فرهنگ مدرن به ایران به عنوان انگیزه کسب حقوق برای توده زنان مطرح و گاه مورد تردید است؛ دلایلی مانند سفر

ناصرالدین شاه به فرنگ دلیل اصلی جذب زنان ایرانی و آگاهی ایشان از آزادی، سفرهای بی‌شمار جهانگردان و انتقال اندیشه‌هایشان، برقراری روابط با کشورهای پیشرفته، گشایش مدارس میسیونری فرنگی، نگارش و چاپ کتب متنوع، رفت و آمد زنان اشراف و خانواده‌های درباری با زنان سفرا و...

به موازات فعالیت توده زنان، وابستگان به خاندان سلطنت و دربار به دلیل برخورداری از پشتوانه سیاسی و اقتصادی، در دوره‌های مختلف بیشتر از طریق پایگاه و طبقه اجتماعی خود برای کسب حقوق فردی و اجتماعی زنان حمایت می‌شدند؛ ولی به نظر می‌رسد سهم تأثیر فعالیت‌های آنان به نزدیکان و طبقه اجتماعی خودشان محدود می‌شد.

از آنجا که ایشان امکان سفر و مراوده با کشورهای همسایه یا دیگر کشورها و امکان مقایسه وضعیت خود با زنانی از دیگر فرهنگ‌ها را داشتند، به الگوهای رفتاری جوامع دیگر فارغ از نوع فرهنگ، تعلقات و ارزش‌های آنان، تمسک کردند و به اشاعه روش‌هایی پرداختند که گاه با فرهنگ ایران تناسب نداشت. بنابراین زمان بسیاری برای به ثمر رساندن ایده‌ها و ساختارهای جدید صرف می‌شد تا گروهی اندک جذب شوند و از الگوهای جدید پیروی کنند. در قرائت آنان مردان فی‌نفسه عامل عدم دستیابی زنان به آگاهی از حقوق‌شان هستند و به همین دلیل عملکرد آنان بر اساس الگوهای جدیدی که دیده یا شنیده‌اند، پایه‌گذاری شد. ساختارهای پیشنهادی جدید در راستای توانمند کردن زنان برای مقابله با قشر مردان بود و گاهی به طور افراطی بدبینی، انتقام و رقابت ستیزه‌جویانه‌ای را تداعی می‌کرد (نک. عضدالدوله، ۱۳۷۵، بامداد، ۱۳۴۷، اتحادیه، ۱۳۶۲، سرنا، ۱۳۶۳، دیالافورا، ۱۳۶۱، سعدوندیان، ۱۳۹۰، دوگوبینو، ۱۳۶۷، نوروژی بختیاری، ۱۳۸۲، جعفریان، ۱۳۸۹، کراچی، ۱۳۸۹، گلبن، ۱۳۷۹، شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۱).

در حالی که توده زنان از نوعی اصلاح درون ساختاری به واسطه استفاده از اهرم‌هایی که دارای وجهه‌ای اخلاقی در ساختارهای موجود جامعه بود و به ویژه در آن دوره از مجاری مذهبی تغذیه می‌شد، سود برده‌اند، عملکرد عموم زنان این دوره ایجاد تعامل و ارتباط بین سنت و تجدد به وسیله سازوکارهایی است که مذهب و عرف در اختیار آنان قرار داده است و اتفاقاً به موفقیت‌های جالب توجهی نیز دست می‌یابند. از جمله رسوم و آدابی که در سنت و تاریخ این مرز و بوم ریشه دارد، آیین و قیود و متون مربوط به ازدواج است.

محور این پژوهش بر اساس مستندات تاریخی درباره موضوع قباله‌ها یا نکاح‌نامه‌های ازدواج در دوره قاجار است. البته درباره قباله‌های ازدواج پژوهش‌های مختلفی انجام شده؛ ولی کمتر به

شکل مجموعه‌ای درباره یک موضوع خاص و با استناد به گزاره‌های متن نکاح‌نامه‌ها بررسی انجام شده است.

یکی از مشخصه‌هایی که برخی نکاح‌نامه‌های این دوره را از سایر قباله‌های ازدواج متمایز می‌کند، گزاره شرط ضمن عقد است که زمینه‌ساز انقلابی در سیر فکری زنان این دوره برای کسب حقوق به صورت مکتوب و الزام‌آور بوده است. این شرط علاوه بر آنکه دارای مفهوم و بار قانونی و حقوقی برای زن و مرد از زاویه دین است، در عرف و مناسک نیز مقبولیت عمومی دارد. شرط ضمن عقد، پیمان و عهدی است که موجب الزام یک طرف به موضوعی است که طرف مقابل خواهان آن است و طرفین معمولاً پیش از عقد، در مورد آن موضوع به توافق رسیده‌اند.

بررسی چنین مشخصه‌ای برای دوره‌ای که بسیاری از تاریخ‌نگاران وضعیت زنان را در آن بسیار تاریک توصیف می‌کنند، می‌تواند کورسوی امیدی برای روشن شدن برخی از وجوه واقعیت باشد.

البته محققان برای روشن کردن ابعاد مختلف اسناد در دو قرن اخیر اهتمام جدی داشتند؛ اما هنوز بخش قابل ملاحظه‌ای از آن در سایه ابهام قرار دارد و دست یافتن به دریچه‌هایی که ما را در شناخت صحیح این وجوه یاری کند، مستلزم انجام تحقیقات دقیق و بازنگری در مطالعات پیشین و توجه به متن اسناد است.

چارچوب روش‌شناختی

پژوهش حاضر با روش اسنادی و استفاده از اطلاعات موجود در اسناد همراه با طبقه‌بندی تطبیقی ساختار و محتوای نکاح‌نامه‌ها انجام شده است. در مرحله اول، جمع‌آوری و نسخه‌برداری از اسناد خطی (نکاح‌نامه‌ها) مورد توجه بود. این قسمت از تحقیق به دلیل نبود آرشیو متمرکز اسناد با مشکلات متعددی مواجه بود که البته همکاری و یاری برخی مراکز اسناد دولتی و مجموعه‌داران خصوصی راهگشا بوده است. مطالعه تطبیقی اسناد با دوره‌های مختلف زمانی و مکانی، طبقه‌بندی اسناد و بررسی اصالت نیز انجام شد. در مرحله دوم نیز طبقه‌بندی شروط ضمن عقد به لحاظ «مشخصات»، «موضوع» و «هدف»، استنساخ اسناد و طبقه‌بندی شروط با شاخص‌های یادشده و تحلیل محتوای شروط ضمن عقد انجام گردید.

مفهوم نظری

یکی از قواعد و احکامی که می‌تواند در زمینه ازدواج، حقوق طرفین را تحقق بخشد، شرط ضمن عقد است که بر اساس منابع تاریخی، تعداد قابل ملاحظه‌ای از موارد درج آن در دوره قاجار و در کشاکش استحکام بخشیدن به فقه شیعه بوده است. بر اساس بررسی تاریخی مجملی که درباره تغییرات رویکردهای فقهی در ایران انجام شد، به زوایا و چگونگی اجرایی کردن حکم شرط ضمن عقد پرداخته می‌شود.

شرط واژه‌ای عربی است و جمع آن شروط و اشراط است. شرط در لغت علامت، عهد، پیمان و تعلیق چیزی به چیز دیگر را گویند و همچنین در معنای شرط آمده است: «الزام الشيء و التزامه فی البیع» الزام کردن به چیزی و ملتزم شدن به آن را در بیع شرط گویند (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۷: ۳۲۹). شرط ابتدایی به معنی خارج از متن عقد شامل همه عقود و ایقاعات می‌گردد؛ زیرا در همه این موارد شرط به معنی الزام و التزام صدق می‌کند؛ مثلاً بیع یک نوع تعهد و شرط ابتدایی خارج از عقد به حمل شایع است، چنان که طلاق نیز فی نفسه یک تعهد ابتدایی خارج از عقد است.

اطلاق عقد یا ایقاع به این نوع شروط ابتدایی به حمل اولی منافاتی با صدق شرط ابتدایی ندارد؛ زیرا با توجه به اختلاف حمل، تناقض برطرف می‌گردد. اطلاق عهد بر عقود بر اساس تفسیر مشهور در مورد آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» است که به «أوفوا بالعهد» تفسیر شده است؛ بنابراین هر عقدی، نوعی عهد و متضمن تعهد است و از آنجا که در ضمن عقد دیگر نیست، می‌توان آن را مصداق شرط ابتدایی تلقی کرد.

تحلیل توصیفی و آماری شروط مستخرج از نکاح‌نامه‌ها

مطالعه حاضر درصدد جمع‌آوری همه نکاح‌نامه‌های دارای شرط ضمن عقد در دوره قاجار بوده است تا برداشت‌ها و نتایج دقیق از این پژوهش حاصل شود و در حد بضاعت نیز موفق بوده است؛ اما هدف از افزایش تعداد اسناد، بررسی کمی آنها نبوده است، زیرا موجودیت اسناد تاریخی هر چه متقدم‌تر باشد، غیرمتمم‌تر است که در دسترس باشد. بنابراین تعداد نکاح‌نامه‌ها در هر دوره زمانی نسبت ثابتی با تعداد نکاح‌نامه‌های دارای شرط ضمن عقد دارد.

با وجود تلاش برای شناخت ابعاد مختلف متن تاریخی دوره قاجار، مطالبات زنان در قالب شروط ضمن عقد را نمی‌توان با قطعیت به عوامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خاصی نسبت

داد. خواسته‌هایی که دارای فراوانی بیشتری بوده با توجه به فضای اجتماعی آن دوره به طور مختصر بیان شده است. همچنین در هر بخش نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط و تصویر عقدنامه درج شده است.

• حق مسکن

شرط ضمن عقد مبنی بر داشتن «حق انتخاب مسکن» بیانگر وجود دغدغه مشترک در میان خانواده‌های ایرانی این دوره است که منشأ آن می‌تواند مواردی چون دوری زوج از خانه و مسافرت‌های مکرری باشد که گاه بیش از ۶ ماه طول می‌کشد. این مؤلفه بسیار همه‌گیر بود و با اینکه در قانون شرع اسلام حق مسکن با مرد است، اما خانواده‌ها در طبقات مختلف از این مفهوم در درج شرط استفاده می‌کردند تا از دوری فرزندان‌شان جلوگیری کنند. این شرط نه در دوره‌ای خاص از سلطنت قاجار، بلکه در شروط به جا مانده از ابتدا تا پایان این دوره به طور یکسان وجود دارد.

احتمالاً یکی از دلایل درج حق مسکن به عنوان شرط، می‌تواند وجود دشواری‌هایی در زمینه امنیت اجتماعی زنان در رفت و آمد در درون شهر یا بیرون شهر باشد. حساسیت موجود در جامعه در مورد این گروه، آنها را در طی کردن مسافت طولانی با مشکلات و نگرانی‌هایی مواجه می‌کرد. علاوه بر این، از آنجایی که زنان بیشتر زمان خود را در منزل سپری می‌کردند، این حق را برای خود قائل بودند که محل زیست آنها آرامش و آسایش را برایشان فراهم کند. ضمن اینکه تنها شرطی که در این دوره به نوعی امنیت زنان را فراهم و از آنان پشتیبانی می‌کرد، اطمینان یافتن از مکانی بود که آنها خود را تا پایان عمر در آن می‌دیدند.

دلیل دیگر برای درج این شرط، دسترسی زنان به محیط بیرون از خانه و راه‌هایی بود که پیوند ایشان با اجتماع را مستحکم می‌کرد. در این دوره مرکز تجمع زنان، بازارها، مساجد، حمام‌ها و امامزاده‌ها بود و این شرط به ایشان کمک می‌کرد تا بتوانند در جایی زندگی کنند که چندان از داخل شهر دور نباشد و بتوانند ارتباط خود را با بیرون از آن حفظ کنند.

یکی دیگر از عوامل احتمالی مؤثر بر درج این شرط، جلب حمایت طولانی مدت برای زوج است. زوج با التزام به شرط حق مسکن با نوعی بازدارندگی مواجه می‌شد که نمی‌توانست زن را مجبور به زندگی در هر محله و منطقه‌ای کند. سفرهای طولانی مدت از ۶ ماه الی ده سال با

توجه به شروط یافت‌شده، معمول بود. بنابراین زنان با درج این شرط مانع می‌شدند که مردان ایشان را به مناطقی ببرند که دسترسی به خانواده، دوستان، اقوام، بازار و... ضعیف یا غیرممکن گردد. سفرهای مکرر مرد از مهم‌ترین عوامل درج این شرط می‌تواند باشد؛ زیرا در نبود مرد، زن نیازمند مکانی بود که از امنیت نسبی برخوردار باشد و این امنیت با توجه به خواسته زن تعریف می‌شد؛ از جمله نزدیکی به خانواده، نزدیکی به مرکز شهر، نزدیکی به مراکز تجمعات زنانه، نزدیکی به زادگاه یا ...

ناکح: سید محمد طباطبایی اصفهانی فرزند آقا سید محمدتقی نورالله

منکوح: خانم کوچک فرزند حاجی محمدابراهیم تاجر دهشتی

صداق: ۱۳۰۰ تومان تبریزی نقد و ۳۰ اشرفی جدیدالضرب المکالی مبارکه فتحعلی شاهی صاحبقرانی و موازی ده مثقال نقره به وزن صیرفی و مقدار ده من ابریشم به وزن شاه و مقدار یک من گندم به وزن ۸۸۰.

شرط: در ضمن عقد مناکحه مبارکه میمونه مسعوده شرط شرعی شد سمت تحقق و به مسط جریان پذیرفت که عالیجناب زوج سابق الاقاب زوجه مخدره مستوره مسطوره را بدون اذن و رضای مخدره و مشارالیه‌ها از شیراز جنت طراز حرکت ندهد و مناکحه مبارکه بالمهر و الشرط المسطور جاری و واقع گردید.

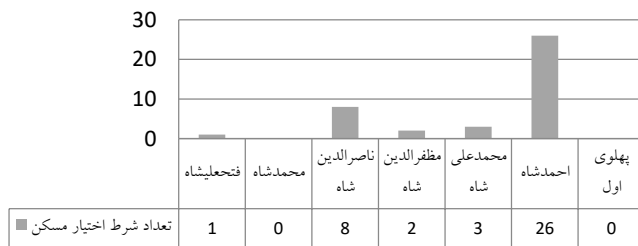
تاریخ: ربیع‌الاول ۱۲۴۶ ق.، دوره فتحعلیشاه (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره

(۸۰۴۵)



تعداد شروط اختیار مسکن در دوره شاهان قاجار

تعداد شرط اختیار مسکن



● نفقه

وقوع چند قحطی عمومی و اقتصاد زمین‌گیر در مقاطع زمانی و مکانی مختلف در دوره قاجار، و نیز عمومی شدن بیکاری، فقر و گرسنگی از عوامل مهم و مؤثر در فروپاشی خانواده‌ها محسوب می‌شد. از دوره فتحعلیشاه که ایران در جنگ با روسیه به سر می‌برد، کشور متحمل صدمات بسیاری در زمینه استقلال شده بود و ضعف سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران امری مشهود بود تا جایی که طغیان و سرکشی در اقصی نقاط ایران بیداد می‌کرد. پس از این زمان نیز اعطای تدریجی امتیازات اضمحلال‌کننده حیات عمومی و استقلال ملی، سفرهای پرهزینه ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، قحطی، زدوبندهای سیاسی قبل و پس از مشروطه، جنگ جهانی و تبعات آن و ... بیش از پیش به تقلیل منابع مالی و آشفتنگی اقتصادی منجر شد. بدین ترتیب این آشفتنگی عمومی که بر اجتماع عمومی و خصوصی جامعه ایران تأثیر گذاشته بود، بیمی در میان شهروندان ایجاد کرده بود که بخشی از آن به حیات زنان متصل می‌شد. از این رو درج شرط حق انتخاب مسکن و دریافت نفقه حداقل کاری بود که زن قاجاری برای گذران زندگی و دوری از فقر نباید از آن امتناع می‌کرد.

در این دوره (فارغ از زنان روستایی و عشایر)، زنان شهری شغلی نداشتند که منبع درآمدی برای آنها باشد. چون هنجارهای تعریف‌شده در اجتماع شهری مانع از آن بود که آنها بتوانند در خارج از منزل کسب درآمد کنند و وظایف اصلی آنها حول خانه‌داری و فرزندپروری بود. در داخل منزل نیز بعضی به دست‌فروشی و دلالی اجناسی مانند جواهرات، شال و برخی مایحتاج روزمره می‌پرداختند که درآمدی جزئی داشت.

علاوه بر این، تنها پشتوانه زنان، درآمد شوهرانشان بود و اگر به هر دلیلی از جانب همسر مورد حمایت قرار نمی‌گرفتند، مجبور بودند تا پایان عمر در تنگدستی به سر برند. از طرف دیگر سفرهای طولانی مدت به قصد کار یا موارد دیگر در این دوره در میان مردان متداول بود و بر اساس اسناد برخی مردان تا دو سال نیز از منزل بیرون رفته، بدون اینکه مخارج خانه و زن را تقبل کرده باشند. این امر سبب شده بود تا پرداخت نفقه به عنوان یکی از شروط ضمن عقد برای زنان در عقدنامه‌ها درج شود. از طرف دیگر نفقه، فقط هزینه‌های خانه و زن را شامل نمی‌شد، بلکه امرار معاش فرزندان نیز دغدغه زن بود و گویا یکی از مهم‌ترین دلایل درج این شرط، اطمینان از وجود امکانات کافی برای پرورش فرزندان بوده است.

در میان این شروط، امنیت اقتصادی در ردیف نخست اولویت زن این دوره یا خانواده او قرار می‌گیرد و اقدامی که برآمده از ترس یا احتیاط و در مجموع آینده‌نگری است، با درج شروطی همراه می‌شد که بخشی از آینده مشترک زن را تضمین می‌کرد. سراسر دوره قاجار با کاهش منابع مالی و ضعف اقتصادی همراه بود و همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، زاییده فضای استعماری ایران بود. در عصر ناصری و احمدشاه که از این قائله مستثنی نبودند، بیشترین شروط ضمن عقد را می‌توان در حوزه اقتصاد مشاهده کرد. بنابراین خانواده‌های ایرانی برای حفظ منویات شریفه و حیثیت خود که بخش مهمی از آن در پرده امنیت اقتصادی امکان‌پذیر بود، تلاش می‌کردند و چه محرومیتی بالاتر از اینکه زن پس از ازدواج به دلیل فشار اقتصادی بی‌خانمان شود یا نزد خانواده پدری بازگردد، بی‌هیچ امیدی به از سرگیری و آغاز با همان اعتبار و انگیزه. از این رو درج شروطی مبنی بر تأمین مالی زن پس از ازدواج نوعی پیشگیری برای روز مبادایی بود که در آن روزگار، معمول و محتمل بود.

ناکح: میرزا مهدی عطار پسر مرحوم میرزا حسین.

منکوح: سلطان خانم

صداق: ده تومان مبلغ خزانه

شرط: در ضمن عقد لازم خارج اسلان ناکح مزبور وکیل نمود منکوحه مزبوره را از حال التحریر به مدت ۵۰ سال کامل که اگر سفری به جهت ناکح مزبور اتفاق افتد و مدت یکسال از... از قرار ماهی ۳ تومان نفقه به منکوحه مزبوره نرسد... بر ذمه زوج خود از مهر نقد خود... به توکیل خود مطلقه نماید.

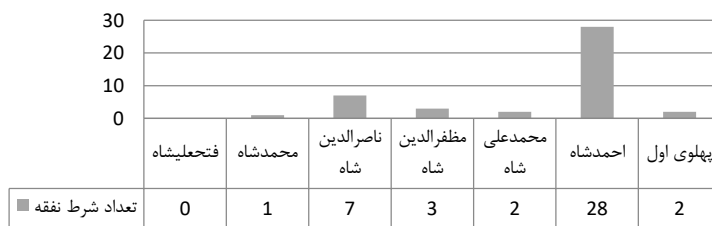
تاریخ: ۱۲۹۰ ق.، دوره ناصری (مجموعه آثار فرهنگی و نسخ خطی دکتر محمد صادق

محفوظی)



تعداد شروط نفقه در دوره قاجار و پهلوی اول

تعداد شرط نفقه



در مورد توزیع فراوانی نفقه در شروط ضمن عقد در دوره‌های مختلف قاجار به غیر از دوره فتحعلیشاه، نفقه در شرط ضمن عقد در دوره محمدشاه ۲ درصد، دوره ناصری ۱۶ درصد، در دوره مظفری ۷ درصد، دوره محمدعلی شاه ۵ درصد، دوره احمدشاه ۶۵ درصد و در دوره پهلوی اول ۵ درصد را به خود اختصاص داده است.

• حق طلاق

تأمین مسکن و نفقه از وظایف اولیه زوج در شریعت اسلام است و به نظر می‌رسد که تأکید بر آن در شروط ضمن عقد، تحت تأثیر شرایط اقتصادی و سیاسی آن روز ایران باشد. حق طلاق نشان‌دهنده دوران‌دیشی و آینده‌نگری زنان و خانواده‌ها برای پایداری خانواده است. حق وکالت طلاق زوجه به این معنی است که او با وکالتی که از شوهر دارد، می‌تواند وکیل انتخاب کند و با مراجعه به حاکم شرع، خود را مطلقه کند. در هنگام وقوع عقد نکاح و با اطلاع، وکالت زوجه در طلاق به صورت شرط ضمن عقد در سند ازدواج درج می‌شود. از آنجا که عقد نکاح به تعبیر حقوقی عقدی لازم است، امکان بر هم زدن شرط وکالت طلاق از سوی زوج بدون رضایت زوجه میسر نیست.

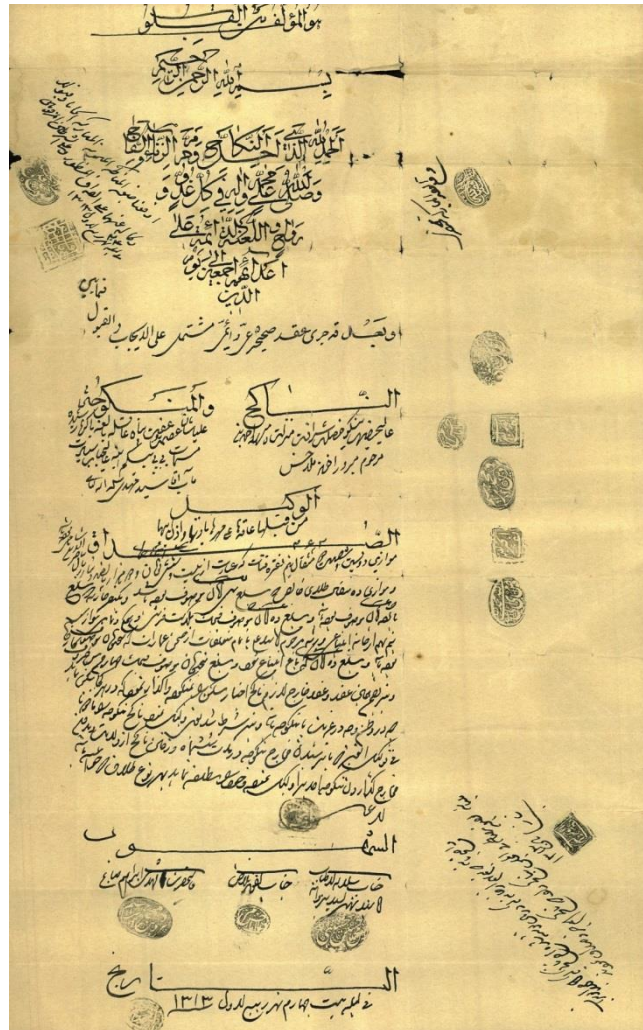
ناکح: میرزا احمد پسر آخوند ملاحسن

منکوح: بی بی بیگم دختر آقا سید مهدی

صداق: ۲۶۲ مثقال و نیم نقره فتات که عبارت از ۲۶ تومان و ۲۵۰۰ دینار ناصرالدین شاهی بوده باشد که موازی ۱۰ مثقال طلای خالص که مبلغ ۳۰ تومان موصوف بوده باشد و یک نفر خادمه که مبلغ ۱۵ تومان موصوف بوده باشد و مبلغ موصوف قیمت یک دست فرش و همگی و تمامی موازی نیم سهم از خانه ایتباعتی ورثه مرحوم آقا سید علی با تمام متعلقات از صحن عمارات که عنوان موصوف بوده باشد و مبلغ دو تومان که باغ ایتباعت شود و مبلغ ۵ تومان موصوف به قیمت ۴ من مس ظروف کارگاهی.

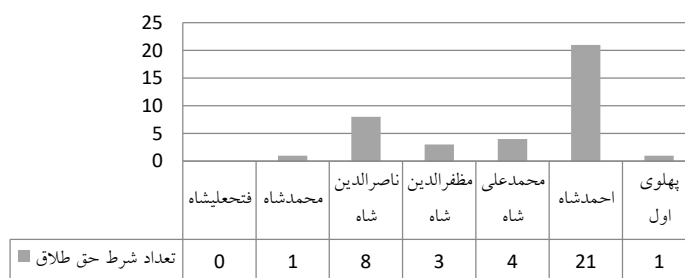
شرط: نیز ضمن همان عقد خارج لازم و ناکح اختیار مسکن را به منکوحه واگذار نموده که که در هر کجا مسکن نماید چه در وطن و چه در غربت با منکوحه باشد و نیز شرط شد یعنی توکیل نمود ناکح منکوحه را ماذونا فی توکیل الغیر که با نرسیدن مخارج منکوحه در مدت شش ماه و رفتن ناکح از ولایت و بدون مخارج گذاردن منکوحه احدی را وکیل نمود و خود را مطلقه نماید به هر نوع طلاق که خواسته باش.

تاریخ: ربیع الاول ۱۳۱۳ ق، عصر ناصری (مرکز اسناد کتابخانه ملی، شماره ۲۹۶-۲۵۹۱۴)



بررسی شروط ضمن عقد عقدنامه‌های یافت‌شده از دوره قاجار نشان می‌دهد که چه تعداد از زنان، علاقه‌مند به گرفتن این حق در زمان عقد بودند. با توجه به نمودار زیر می‌توان تعداد این شرط را در زمان شاهان قاجار مشاهده کرد:

تعداد شروط حق طلاق در دوره قاجار



در مجموع شروط حق طلاق در اسناد، ۲۳ درصد است. در دوره فتحعلیشاه ۰ درصد، در دوره محمدشاه ۳ درصد، در دوره ناصری ۲۱ درصد، در دوره مظفرالدین شاه ۸ درصد، در دوره محمدعلی شاه ۱۰ درصد، در دوره احمدشاه ۵۵ درصد و در دوره پهلوی اول نیز ۳ درصد شروط ضمن عقد، دارای حق طلاق است.

● اجازه سفر

به نظر می‌رسد یکی از معضلات دوره قاجار، مسئله خروج از محل اقامت برای تجارت یا کار در شهرهای دیگر بوده است و به دلایلی مانند ناامنی فزاینده راه‌ها و مسیرهای ارتباطی در شهرها و روستاها، کمبود امکانات برای جابجایی سریع و امن، و افزایش خطر جانی و مالی، مسافرت به عنوان موضوعی مهم و مشکل‌ساز برای خانواده‌ها مطرح بوده است و در شروط ضمن عقد جزء شروطی است که در برخی دوره‌ها فراوانی قابل تأملی دارد. حق اجازه سفر به زوج از سوی زوجه یا تأکید بر این مسئله که زوج بدون رضایت زوجه مجبور به ترک محل اقامت نشود، از موارد ثبت‌شده در عقدنامه‌هاست.

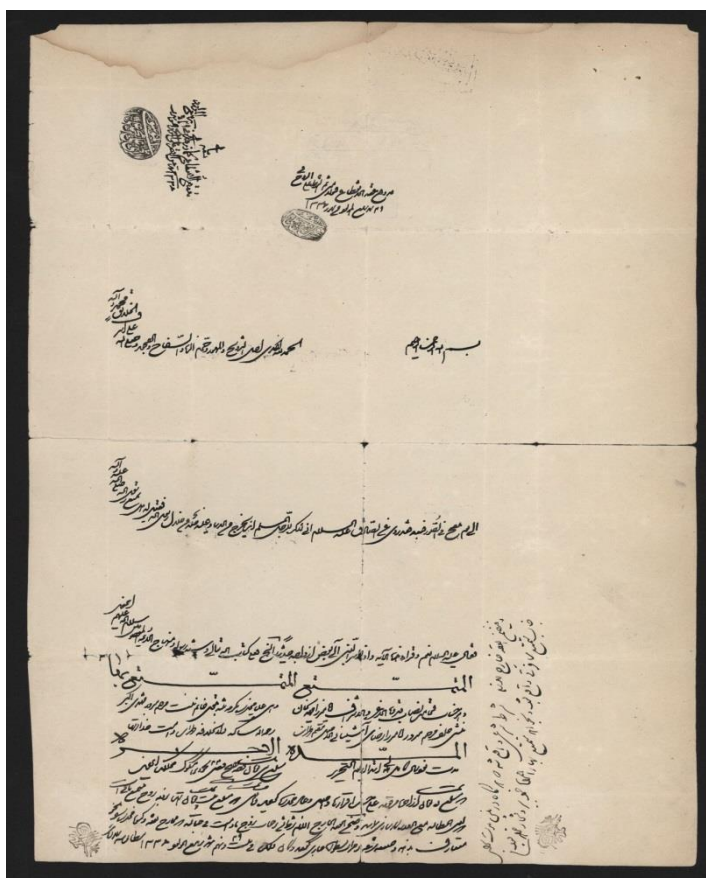
ناکح: میرزا مهدی خان منشی پسر آقا میرزا رضای آشتیانی الاصل مقیم تهران

منکوح: بتول خانم دختر مشهدی اکبرآقا

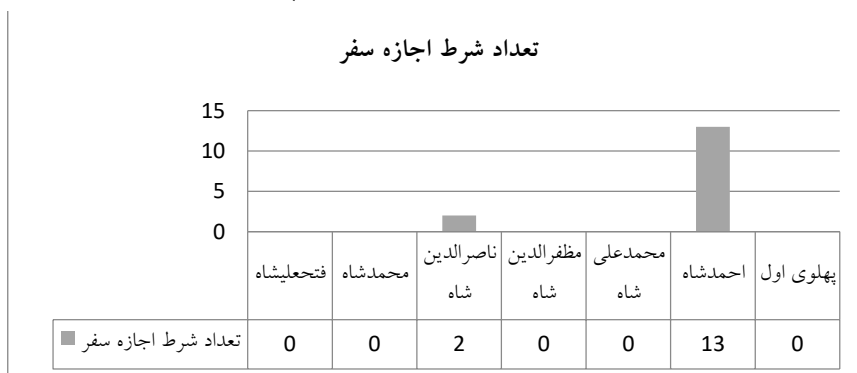
صداق: سی تومان

شرط: تا زمانی که زوجه در حباله زوج است، مرد باید مخارج نفقه زن را بپردازد. اگر زوج بخواهد سفر برود مختار است زوجه را با خود ببرد.

تاریخ: ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۶، دوره احمدشاه (آرشیو دیجیتال دنیای زنان قاجار دانشگاه هاروارد، مجموعه کارن، ش 1252A158)



تعداد شروط اجازه سفر در دوره قاجار و پهلوی اول



مجموع شروط یافت‌شده در مورد اجازه سفر ۹ درصد است که در دوره ناصری ۱۳ درصد و در دوره احمدشاه ۸۷ درصد است. در دوره سایر شاهان قاجار نیز درصد فراوانی صفر است.

● مهریه

یکی از حقوق زوجه که از سوی زوج باید پرداخت شود، مهریه یا مالی است که قابلیت تملک دارد و مرد تعهد می‌کند که به زوجه بپردازد.

تعداد محدودی از شروط ضمن عقد مربوط به پرداخت مهریه در زمان تعیین‌شده یا بر اساس شرایط خاص یا بعد از طلاق است.

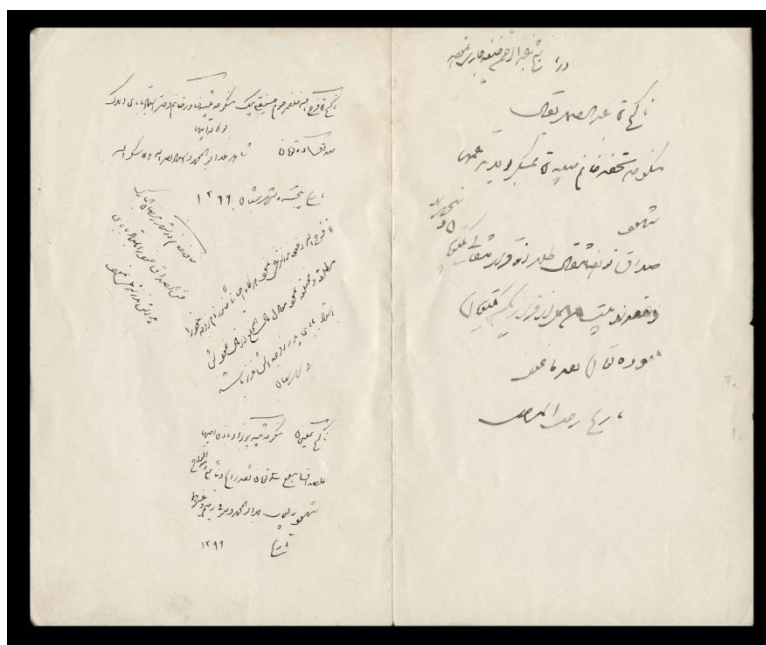
ناکح: فرج‌الله فرزند حسین قلی بیگ

منکوح: خاور خانم دختر استادبابا دلاک

صداق: ده تومان

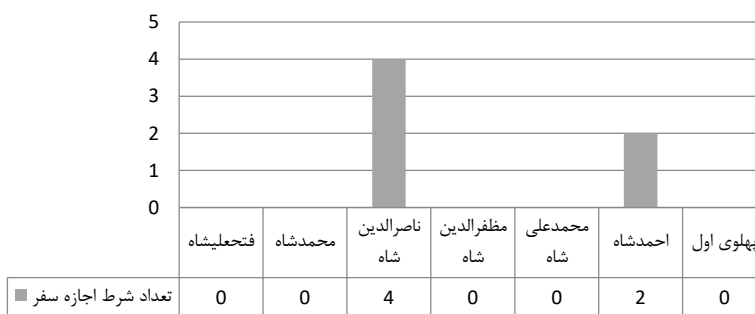
شرط: ذکر شروط طلاق و بخشش مهریه به پدر خاور خانم. آقا فرج‌الله رضوی نذر شرعی نموده هرگاه احیاناً خاور نام زوجه خود را مطلقه و محتلفه نموده معادل مال المخلع از مال خودش به استاد بابای پدرش زوجه‌اش نذر باشد (اعطای مهر خاور به پدرش از جانب آقا فرج‌الله در صورت طلاق).

تاریخ: ۱۲۹۹ ق.، دوره ناصری (آرشیو دیجیتال دنیای زنان قاجار دانشگاه هاروارد، سه نکاح‌نامه، مجموعه ساعدالسلطان، شماره 1277A9)



تعداد شروط حق مهریه در دوره قاجار و پهلوی اول

تعداد شرط پرداخت مهریه



در مجموع، از شروط ضمن عقد ۴ درصد به درخواست پرداخت مهریه اختصاص یافته است. به نظر می‌رسد تفاوت فراوانی در زمینه شرط پرداخت نفقه با مهریه، حکایت از پابندی زن ایرانی به خانواده بدون چشمداشت مادی دارد؛ زیرا نفقه مبلغی محدود برای مدیریت و گذران زندگی روزمره خانواده و مهریه سرمایه‌ای برای آینده زنان است.

در دوره ناصری ۶۷ درصد و در دوره احمدشاه ۳۳ درصد از شروط برای درخواست مهریه بوده است. در دوره فتحعلیشاه، محمدشاه، مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه، چنین شرطی در اسناد یافت نشده است.

• شروط اقتصادی

شرایطی که در نکاح‌نامه‌های دوره قاجار قابل توجه و بررسی است، شروطی است که مبنای اقتصادی (به غیر از مهریه) دارد. اگرچه زنان از دیرباز حق معامله و حفظ ثروت خود را داشته‌اند؛ اما درج مسائل اقتصادی، واگذاری ارث، پرداخت نفقه فرزندان همسر، پرداخت اجرت‌المثل به میزان چند برابر در ازای انجام کار، عدم تصرف اموال فرزندان زوجه، اطلاع از معاملات اموال، پرداخت غرامت و... در نکاح‌نامه، بیانگر شفافیت روابط مالی بین زوج و زوجه است و تلاش برای پیشگیری از بروز بسیاری از اختلافات مالی در زندگی خانوادگی را نشان می‌دهد.

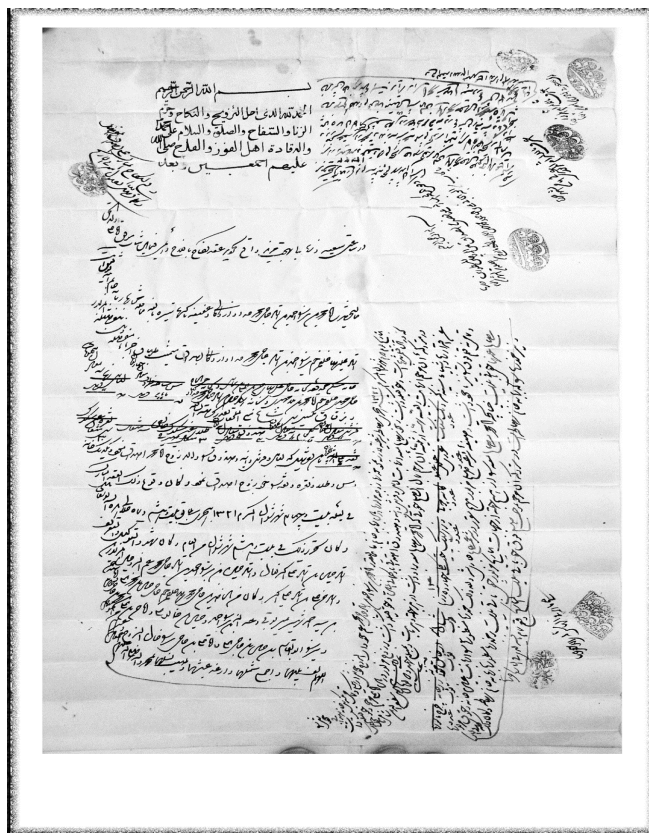
ناکح: علی

منکوح: ربابه خانم

صداق: طلای غیرمسکوک خالص ۳ مثقال صیرفی - نقره غیرمسکوک ۳۰ مثقال - فرش معادل؟ - یکباب خانه - مس ساخته ظروف معادل چهارتومان - نهاله معادل ۵ تومان - لباس و فرش و انیه و صندوق تسو والد زوج آقا محمد و یک دیگ خانه مس و طلا و نقره؟

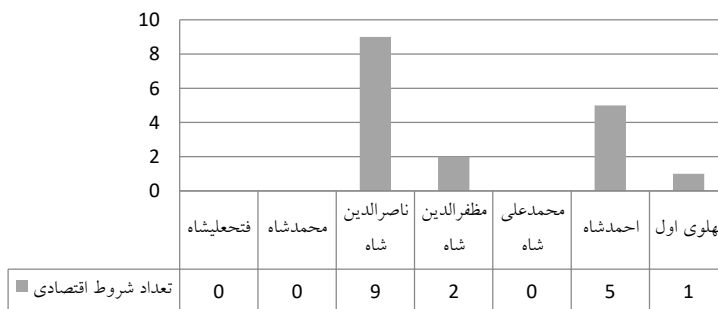
شرط: به تاریخ یوم دوم شهر شوال المکرم ۱۳۲۲ هجری مصالحه شرعیه نمود ... ربابه خانم به این قرار آقا محمد... عم خود و آب الزوج خودش همگی و تمامی ... خانه صدای خودش... و حقوقی که داشت مثل لباس و فرش و انیه و صندوق و کلمافی ... از هر جهت و هر بابت و به مبلغ چهل و دو تومان مظفرالدین شاهی... عین اقرارها و اشیا ... تمامی نه قلم فوق نیز با خود داشت و صیغه شرعیه و صلح مزبور رایج مقرر شرع مطاع جاری شد و بعد ذلک مندره مسطوره ربابه خانم مصالحه و ... است در متروکه آن مرحوم بموجب صیغه فوق حقی باقی نیست ... (هامش سمت راست صفحه). - برحسب تحری که به تاریخ یوم سه‌شنبه پنجم شهر شوال المکرم ۱۳۲۲ هجری ... آقا محمد خلف مرحوم آقا علی اکبر رحمه‌الله در ضمن عقد ملتزم شد به اینکه مصالحه ... الی مدت پنجاه سال کامل است ... فسادی در مصالحه مرقومه در هامش ورقه شد و ...؟ (هامش بالای صفحه) (هر چه که عمومی به عروس بخشیده به عنوان ارث بوده و نه صداق و شوهر او این مصالحه را پذیرفته است)

تاریخ: ۲۴ شوال ۱۳۲۱ ق.، عهد مظفری (مجمع ذخایر اسلامی، مجموعه سپهری، شماره ۶۲۲).



تعداد شروط اقتصادی در دوره قاجار و پهلوی اول

تعداد شروط اقتصادی



در مجموع شروط اقتصادی ۱۰ درصد از شروط ضمن عقد را شامل می‌شود و عقدنامه‌های یافت‌شده از دوره فتحعلیشاه و محمدشاه فاقد شرط اقتصادی است. اما دوره ناصری ۵۳ درصد، دوره مظفیری ۱۲ درصد، دوره محمدعلی شاه ۰ درصد، دوره احمدشاه ۲۹ درصد و دوره پهلوی اول ۶ درصد را به خود اختصاص داده است.

اگرچه به واسطه کمبود اسناد دارای شروط در برخی دوره‌ها نمی‌توان نتیجه‌گیری دقیقی از میزان آگاهی زنان درباره جایگاه فردی و اجتماعی خود در سطح وسیع داشت؛ اما همین میزان نشان‌دهنده تلقی آنها از جایگاه خود و تکاپو برای وصول به بایدهای اخلاقی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی است. اگر از زاویه جنسیتی نیز به این موضوع دقت شود، استفاده از امکانات شایسته و مورد پذیرش عمومی برای جریان دادن مفاهیم و خواسته‌هایی مانند قانون، عدالت و آزادی از طریق حضور در افکار عمومی دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی نهایی، می‌توان بر محورهای ذیل تأکید کرد:

- بررسی وضعیت زنان قاجار بیشتر با استناد به زندگی زنانی از طبقات خاص و درباری صورت گرفته و نقش عموم زنان، به ویژه در زندگی فردی و خانوادگی مغفول مانده است.
- گفتمان مطالبه‌گری، کرداری خردگرایانه، جمعی و تداوم‌یافته در طول زمان است؛ به همین دلیل مطالعه موضوعات تاریخی باید در بازه زمانی به‌هم‌پیوسته انجام شود. جست‌وجو برای یافتن نکاح‌نامه‌های دارای شرط ضمن عقد در دوره زمانی صدوسی ساله قاجار، اگرچه نوسانات کمی دارد، ولی تصویری واضح از تلاش زنان برای استفاده از باورها، نهادها و چارچوب‌هایی که مورد پذیرش عموم است، برای تحقق خواست‌ها و نیازهایشان به نمایش می‌گذارد. همچنین تردیدهایی جدی را درباره وضعیت زنان در تاریخ‌نگاری قاجار به ذهن متبادر می‌کند. در بررسی خاستگاه شروط ضمن عقد چند محور اصلی را می‌توان ترسیم کرد:

- بخشی از مطالبه‌گری زنان در دوره قاجار با استفاده از کاربست شرط ضمن عقد در سطح جامعه بود، به طوری که حتی برای تحقق خواست‌های مردان نیز کاربرد داشته است.
- اسناد ازدواج دوره قاجار بیانگر استفاده عموم زنان از سازوکارهای مورد پذیرش عموم با خاستگاه شریعت بود و آنها در کسب حقوق، نیازها و خواست‌های خود تأثیرگذار بوده‌اند.

- پراکندگی شروط ضمن عقد در نکاح‌نامه‌های دوره قاجار از زمان فتحعلیشاه تا پایان دوره احمدشاه به نسبت وجود نکاح‌نامه، تقریباً سیر متناوب و یکسانی دارد.
 - شروط ضمن عقد در میان عموم جامعه، بیش از خانواده‌های صاحب منصب و منتسب به دربار رواج داشته است.
 - بر اساس یافته‌ها، از میان ۷۶۰ نکاح‌نامه این دوره، ۸۳ مورد حاوی شرط ضمن عقد بود. به عبارت دیگر از هر ۹ نکاح‌نامه یکی دارای شرط ضمن عقد است.
 - ۸۳ شرط ضمن عقد، شامل شروطی مانند تأمین مسکن، انتخاب حق مسکن از سوی زوجه، تأمین نفقه و تعیین میزان آن بنا بر طبقات اجتماعی، تعیین شرایط و کسب حق طلاق برای زوجه، تعیین شرایط برای دریافت کل مهریه، اجازه سفر، شروط اقتصادی در خصوص معاملات و اموال زوج یا زوجه بوده است.
 - از ۸۳ شرط یافت‌شده، ۸ درصد از سوی زوج و ۹۲ درصد از سوی زوجه تعیین شده است.
 - از مجموع شروط یافت‌شده، ۴۸ درصد مربوط به حق مسکن، ۴۸ درصد مربوط به نفقه، ۴۷ درصد مربوط به کسب حق طلاق برای زوجه، ۲۰/۲ درصد مربوط به شروط اقتصادی، ۸/۲ درصد مربوط به درخواست مهریه، و ۱۹/۳ درصد نیز مربوط به کسب اجازه سفر برای زوج از سوی زوجه بوده است.
 - از مجموع ۶ شرط که از سوی زوج طرح شده است، ۵۰ درصد درباره موضوع اقتصادی، ۳۳ درصد در مورد کسب اجازه از زوج برای خروج از منزل، ۳۳ درصد برای حق سفر، و ۱۶/۶ درصد (یک شرط) نیز درخواست پرستاری از کودکان زوج تا دوره بلوغ بود.
- گزاره‌های اسناد مکتوب، روزه‌ای برای آشکار شدن برخی حقایق تاریخی است که می‌تواند برای شناخت بهتر آینده راهگشا باشد. بر ادیبان، جامعه‌شناسان تاریخی و تاریخ‌نگاران است که به پردازش بخش‌هایی از اسناد مکتوب بپردازند که نیازمند رمزگشایی از موضوعات خاص در دوره‌های تاریخی است. شاید شکاف‌های موجود در تاریخ پر شود و حقایق در سایه روشن این پژوهش‌ها امکان اصلاح جوامع را فراهم کند. از جمله اگر پس از دوره قاجار تعصبات در مورد سنت‌ها وجود نداشت و قواعدی مانند شروط ضمن عقد به کلی نادیده گرفته نمی‌شد و با همان روند ادامه پیدا می‌کرد، احتمالاً دستیابی به حقوق خانواده در دوره‌های بعدی با سهولت بیشتری در روال و سازمان مناسب قرار می‌گرفت.

منابع

- آبادیان. حسین (۱۳۷۶). اندیشه دینی و نهضت ضدژری در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- آدمیت. فریدون (۱۳۸۵). اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار. تهران: خوارزمی.
- ابن منظور. محمد بن مکرم (۱۴۰۵). لسان‌العرب. نشر آدب الحوزه.
- اعتمادالسلطنه. محمد حسن خان (۱۳۵۰). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- اعظام قدسی. حسن (۱۳۷۹). خاطرات من یا تاریخ صدساله ایران. ج ۱. تهران: کارنگ.
- اوکازاکی. شوکو (۱۳۶۵). قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ در ایران. ترجمه هاشم رجب‌زاده. آینه. ۱۲ (۱-۳). ۲۸-۴۱.
- بامداد. مهدی (۱۳۴۷). شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری. تهران: زوار.
- براون. ادوارد (۱۳۸۰). انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه مهری قزوینی. تهران: کویر.
- بروگش. هاینریش کارل (۱۳۷۳). سفری به دربار سلطان صاحبقران ۱۸۵۹-۱۸۶۱. ترجمه محمدحسین کردبچه. تهران: اطلاعات.
- تاج‌السلطنه (۱۳۶۲). خاطرات تاج‌السلطنه. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان. تهران: تاریخ ایران.
- جعفریان. رسول (۱۳۸۹). سفرنامه‌های حج قاجاری (پنج‌جاه سفرنامه). ج ۴، ۵، ۷. تهران: علم.
- جهانگیر میرزا (۱۳۲۷). تاریخ نو (شامل حوادث دوره قاجاریه) از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ ق. به سعی عباس اقبال. تهران: علمی.
- دوگوبینو. ژوزف آرتور (۱۳۶۷). سفرنامه کنت دوگوبینو: سه سال در آسیا ۱۸۵۸-۱۸۵۵. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: کتابسرا.
- دیولافورا. ژان (۱۳۶۱). سفرنامه مادام دیولافورا: ایران و کلده. ترجمه همایون فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران.
- رابرتسون. ایان (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه: با تأکید بر نظریه کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل. ترجمه حسین بهروان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- سرنا. کارلا (۱۳۶۳). سفرنامه سرنا کلارا. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- سعدونیدان. سیروس (۱۳۹۰). خاطرات مونس‌الدوله. تهران: زرین.

- سعیدی سیرجانی. علی‌اکبر (۱۳۷۶). وقایع اتفاقیه، گزارش اوضاع حوادث فارس در زمان مشروطیت از خفیه‌نویسان انگلیس. تهران: پیکان.
- شیخ‌الاسلامی. پری (۱۳۵۱). زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران. تهران: زرین.
- عضدالدوله. سلطان احمد میرزا (۱۳۷۶). تاریخ عضدی. با مقدمه و تصحیح عبدالحسین نوایی. نشر علم. کراچی. روح‌انگیز (۱۳۸۹). نویسنده اصلی تأدیبات النسوان کیست؟. تاریخ ادبیات. ۳(۶۵). ۱۹۹-۲۰۷.
- کسروی. احمد (۱۳۷۸). تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.
- گلین. محمد (۱۳۷۹). گلزار خاموش: یادنامه بانو راضیه دانشیان (گلین) همراه با مقالاتی درباره زنان. تهران: رسانش.
- مارتین. ونسا (۱۳۹۰). مذاکره، اعتراض و دولت در ایران قرن سیزدهم. ترجمه حسن زنگنه. تهران: ماهی.
- مرتضی زبیدی. محمد بن محمد (۱۴۱۴). تاج العروس. تحقیق علی شیری. بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- ناطق. هما (۱۳۵۵). قتل گریبایدوف در احکام و اشعار رستم‌الحکما. نشریه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ۱. ۱۳۲-۱۵۸.
- ناهیدی آذر. عبدالحسین (۱۳۶۰). زنان ایران در جنبش مشروطه ایران. تبریز: احیاء.
- نصر. سید تقی (۱۳۶۳). ایران در برخورد با استعمارگران از آغاز قاجاریه تا مشروطیت. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- نفیسی. سعید (۱۳۶۴). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر. ج ۲. تهران: بنیاد.
- نوذری. حسینعلی (۱۳۸۳). ماهیت بین‌رشته‌ای علوم: در ضرورت همکاری و تعامل تاریخ و علوم اجتماعی. فصلنامه تاریخ معاصر ایران. ۸(۳۰). ۱۷۱-۲۳۰.
- نوروزی بختیاری. غلامعباس (۱۳۸۲). خاطرات سردار بی بی مریم بختیاری. تهران: آرزان.